

## مقاله مفهومی

# ارائه چهارچوب مفهومی معنویت در فلسفه هنر اسلامی با تأکید بر نظام استادشاگردی

محمد حسین ایمانی خوشخوا، مهدیه شهرابی فراهانی<sup>\*۲</sup>

۱. استاد گردشگری، دانشکده علوم گردشگری، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.
۲. دکترای تخصصی مدیریت گردشگری، مدیر امور همکاری‌های بین‌الملل پارک ملی علوم و فناوری‌های نرم و صنایع فرهنگی، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

### چکیده

انسان به حکم خداگونگی‌اش و بهره‌مندی از ماهیت معنوی، سیستمی از باورها و اعتقادات انسانی متمرکز بر معنا و کشف حقیقت زندگی و مجموع ارتباط و اتصال‌های وی در زندگی را رقم می‌زند تا به‌جهت دیدار و سیر آفاق و سیر انفس و خلق اثر هنری، بیش از پیش درجهت تحقق ماهیت ماهوی خویش گام بردارد. به‌طوریکه خلق اثر هنری، زاینده بعد معنوی هستی است که در هنر سنتی و هنر اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. در این میان استاد که یکی از ارکان حیاتی آموزش سنتی هنرهاست، در نظام استادشاگردی که جنبه تعلیمی دارد، می‌تواند این ویژگی ماهوی را به منصفه ظهور رساند. از این رو ارائه چهارچوب مفهومی معنویت در فلسفه هنر اسلامی با تأکید بر نظام استادشاگردی، هدف انجام این پژوهش است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است و از روش مرور نظام‌مند، رویکرد فراترکیب استفاده شده است. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری استفاده شد. مؤلفه‌های معنوی با تلفیق و تحلیل دو رویکرد ارائه شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، عناصری همچون احترام، رفتار پسندیده، جست‌وجوی معنا، زیبایی و کشف حقیقت از جمله مفاهیم معنوی فلسفه هنر اسلامی با استناد به نظام استادشاگردی هستند.

**واژگان کلیدی:** معنویت، فلسفه هنر، هنر اسلامی، نظام استادشاگردی.

### مقدمه

معنوی است که این مطلب در جریان انتقال فنون و تکنیک‌ها نیز به‌شدت دخیل بوده است. در بسیاری از متون ایرانی، از متون اخلاقی و تاریخی گرفته تا متون ادبی و هنری، لزوم احترام و ارادت به استاد و کنار آن تعهد و محبت به شاگرد تأکید شده است. استاد صنعت‌گر، هنروری است که در فرایند آفرینش سهیم می‌شود و از راه شعرهای سنتی، آثار هنری می‌آفریند که بازتابی از صور در ملکوت یا علم مثال دارند. هدف این شعرها ذاتاً یکی است؛ خلق یک حالت آگاهی که به تفکر در چند و چون حقیقت الهی راه دهد. هنرمند پس از آداب تشرف که کیفیتی محرمانه دارد، با یکپارچه‌گردانی جنبه‌های درونی و برونی وجود خود، از رهگذر کارش می‌تواند به کمال معنوی دست یابد (داداشی، ۱۳۹۴). از این رو نظام استادشاگردی برگرفته از یک رویکرد کاملاً روحانی و در مسیر الهی است که هنرمند بیش از پیش با ماهیت خداگونه خویش آشنا شده و اصول بنیادین اخلاقی، احترام و آداب شاگردی

از دیدگاه فلسفه، معنویت جزء جدایی‌ناپذیر روح و وجود انسانی است و کشف آن، یافتن حقیقت وجودی انسان بیان شده است، به‌طوریکه توسط همه انسان‌ها قابل درک بوده و گویی در درون همه انسان‌ها وجود دارد (Willson et al., 2013). هرآنچه موضوع این آفرینش و خلق است، حقیقتی است که کمال مطلوبی دارد و هنرمندان است (رشاد، ۱۳۹۴، ۷)، لذا توجه به لایتناهی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هنر اسلامی با اصطلاح افقی‌بودن ذکر شده است. تاحدی که پدیده‌ها به مفاهیم و ساختارهایی تبدیل می‌شوند که مثالی از عالم حقیقی بوده و در نهایت به ذات حق و معبود یکتا رهنمون می‌گردند (اسلامی و نیکقدم، ۱۳۹۱). هنر سنتی ایرانی نیز در بطن خود حاوی عالی‌ترین نکات و مؤلفه‌های اخلاقی و

می‌کردند، از این‌رو هنرهای سنتی برگرفته از سنت الهی است (داداشی، ۱۳۹۴).

#### • فلسفه هنر اسلامی

در مجموع دیدگاه فلسفه هنر اسلامی، هنر را «فعل زیباآفرینی انسان» تعریف کرد که تمامی تعاریف و مفاهیم ارائه‌شده از هنر در آن جای می‌گیرد (همان، ۳۱۸). از این‌رو از دیدگاه بسیاری از محققان، هنر زیبایی است و از ویژگی‌های عامی که همه برای هنر به کار می‌برند، ویژگی زیبایی آن است (افروغ و آقاسی، ۱۳۹۳، ۱۵۸). زیبایی در نگاه فارابی به معنی «پیدایی وجود هر موجودی و حصول واپسین کمالش زیبایی است» (فارابی، ۱۴۰۷، ۵، ق) تعریف شده است. بر همین اساس وجود برتر انسان به این است که بیشترین تشابه را به حق تعالی داشته باشد و مظهر اسماء و صفات جمال و جلال خداوند باشد (هاشم‌نژاد، ۱۳۸۵، ۳۲۰). افقی بودن در هنر اسلامی خیال در خیال و نتیجه نگاه از بالا، مشاهده و مکاشفه معبود و واسطه تقرب و انس به اوست که ماهیت مثلی و موحد آن با تجرید، هندسه و الگوهای چند ترازه امکان‌پذیر شده و اهداف مفهومی آن تجلی وحدت و پیوند آسمان و زمین، حرکت به سمت بی‌منتهی و رسیدن به روشنایی است (اسلامی و نیکقدم، ۱۳۹۱). هنر اسلامی مبتنی بر حکمت علمی و عملی، دارای مراتبی است که در حقیقت به درجه بهره‌مندی هنرمند از هریک از این دو حکمت برمی‌گردد. هنر اسلامی در عالی‌ترین شکل خود، مبتنی بر حکمت حقیقی است؛ هنرمند خالق چنین هنری، انسان کامل است (کرامت و گودرزی، ۱۳۹۳، ۲۳).

#### • فلسفه معنویت

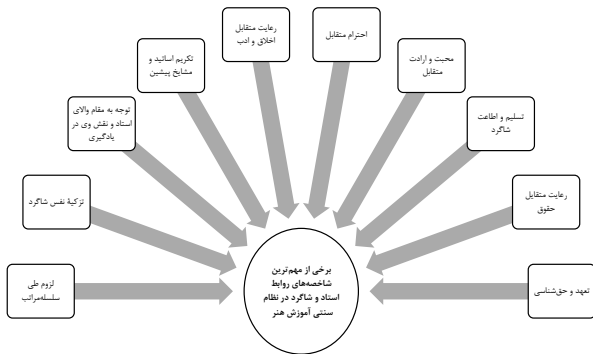
رویکردهای بسیاری به تعریف معنویت اشاره کرده‌اند. آنچه در این پژوهش بحث شده است، رویکرد فلسفی است. علیرغم نگاه‌های تک‌بعدی که به معنویت وجود دارد، معنویت را نمی‌توان صرفاً مذهب نامید. زیرا معنویت گسترده‌تر از مذهب بوده و باورهای مذهبی و اعمال عبادی در درون هر مذهبی یکی از عناصر آن به‌شمار می‌رود (Arya, 2011). معنویت به مفهوم سطح شعور، هوش و احساس انسانی است که وی را از سایر موجودات هستی متمایز می‌کند و امکان ارتباط با ابعاد غیرمادی هستی و وجود خویش را فراهم می‌کند. در حقیقت معنویت همان جنبه غیر مادی بعد انسانی است که در ارتباط با خود، دیگران، طبیعت و خالق هستی معنی پیدا کرده و امکان تعامل و کسب تعالی و غایت هستی را برای وی امکان‌پذیر می‌کند (Jackson et al., 2016). به‌طوریکه شهید مطهری مادیت را نقطه مقابل معنویت نمی‌داند و عوامل مادی و معنوی را هم‌دوش به‌شمار می‌آورد. همچنین معنویت را با جاذبه‌ها و کشش‌هایی که مادی نیست و در وجود انسان هست، مانند میل به حقیقت‌جویی، میل به زیبایی و میل به پرستش اثبات می‌کند (مطهری، ۱۳۷۵) و معنویت را سیستمی

را در آن می‌آموزد. نظام استادشاگردی و فلسفه هنر اسلامی، هر دو ماهیتی معنوی دارند. حال تحلیل و بررسی جایگاه معنویت در هنر اسلامی و نظام استادشاگردی می‌تواند تحقق هدف هر دو رویکرد را بیش از پیش فراهم کند. لذا در این پژوهش با تأکید بر رویکرد فلسفی به معنویت، که به‌شیوه توصیفی-تحلیلی و روش مرور نظام‌مند (سیستماتیک) انجام گرفته است، جایگاه معنویت در فلسفه هنر اسلامی و نظام استادشاگردی را بررسی کرده و با رویکرد معنوی مؤلفه‌های فلسفه هنر اسلامی و نظام استادشاگردی را تحلیل و ارائه می‌دهد.

#### پیشینه پژوهش

##### • تعریف هنر

«هنر» در قلمرو تاریخ زبان فارسی معانی متنوعی داشته است. از جمله به معنی کمالات، فضایل، حسنات، برتری‌ها، صفات نیک، توانایی، قابلیت‌ها، توانمندی، قدرت، صنعت، حرفه، کسب و نیز در تاریخ بیهقی به معنی خطر و تهدید به کار رفته است (هاشم‌نژاد، ۱۳۸۵، ۳۱۴-۳۱۵). واژه هنر اصالتاً اوستایی و پهلوی بوده و مرکب از «هو» به معنای خوب، نیک، زیبا، بسیار، بسنده و رسا و «نر» به معنای مرد است. مفاهیمی چون کمال و نیک اجزای ذاتی معنای هنر در متن و بطن تمدن ایرانی هستند (بلخاری قهی، ۱۳۹۳). واژه هنر در زبان‌های اروپایی به یونانی «تخنه»<sup>۱</sup>، به لاتین «آرتوس» و «آرتیس»<sup>۲</sup> و «آرس»<sup>۳</sup>، به فرانسه «آر»<sup>۴</sup> و به انگلیسی «آرت»<sup>۵</sup> گفته می‌شود (هاشم‌نژاد، ۱۳۸۵، ۳۱۴). هنر به مفهوم بازآفرینی یا بازنمایندن یک عین یا معنا به‌نحو کمال مطلوب آن است. هنر، پدیدارکردن و نمایش یا خلق و ابداع است (رشاد، ۱۳۹۴، ۷). تولستوی هنر را این‌گونه تعریف می‌کند: «هنر یک فعالیت انسانی است و عبارتست از اینکه انسان آگاهانه و به یاری علائم مشخصه ظاهری، احساساتی را که خود تجربه کرده است، به دیگران انتقال دهد؛ به‌طوری‌که این احساسات به ایشان سرایت کند و آن‌ها نیز آن احساسات را تجربه کنند و از همان مراحل حسی که او گذشته است، بگذرند.» (تولستوی، ۱۳۸۳). ویژگی ذاتی در هنر، در نظریه تولستوی، بیان و انتقال احساسات درونی هنرمند به مخاطب بیان شده است. به عبارت دیگر یک اثر هنگامی اثری هنری قلمداد می‌شود که احساسات هنرمند را به مخاطبان انتقال دهد. اگر این ویژگی در یک اثر وجود نداشته باشد، نمی‌توان آن را اثر هنری نامید (هاشم‌نژاد، ۱۳۸۵). این بدان مفهوم است که همه انسان‌ها به اشیائی با ساخت و صنعت نیکو نیاز دارند تا بتوانند نیازهای حیات عملی و درعین‌حال نیازهای حیات عرفانی را تأمین کنند (رحمتی، ۱۳۹۰). این سنت‌ها در تکوین و تشریح، رسیدن به وعده‌های الهی و نیز قوانین حاکم بر نظام آفرینش و زندگی انسان‌ها را نشان می‌دهد و همه انسان‌ها به مسیر واحدی دعوت



تصویر ۱. مهم‌ترین شاخصه‌های رابطه‌ی استاد و شاگردی در نظام سنتی آموزش هنر. مأخذ: سیفی و همکاران، ۱۳۹۶، ۴۰.

هنرجو باید از تعلیم استاد استفاده کند، تمرین بسیار انجام دهد و مهم‌تر از همه صفای باطن داشته باشد که برای رسیدن به این اصل مهم باید با اعتقاد و آداب لازم در مسیر درست حرکت کند. باید شاگرد نسبت به استاد، اخلاص و اعتقاد درست را متوجه شود و به درجه‌ی کمال، توجه کند و حرمت معلم را از پدر بیشتر نگه دارد تا مشفقیت استاد بر وجه کمال او را به مقصود رساند (قلیچ‌خانی، ۱۳۷۳؛ داداشی، ۱۳۹۴).

### روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت داده‌ها و روش تحلیل، کیفی و از لحاظ روش گردآوری داده‌ها، براساس اطلاعات اسنادی است. در این پژوهش از روش مرور نظام‌مند (سیستماتیک)، رویکرد فراترکیب استفاده شده است. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری استفاده شد. رویکرد فراترکیب یا متاستز برای ترکیب نتایج تحقیقات کیفی است و به پیش‌برد دانش فعلی با ایجاد یک ترکیب تفسیری جدید کمک می‌کند (Boo, 2008). در سال‌های اخیر، رویکرد فراترکیب توجه پژوهشگران بسیاری را جلب کرده است. فراترکیب از طریق فراهم کردن رویکردی نظام‌مند برای محققان، از طریق ترکیب پژوهش‌های کیفی متفاوت، موضوعات و استعاره‌های جدید و اساسی را کشف کرده و ضمن ارتقاء دانش جاری، دیدی جامع و گسترده در زمینه‌ی مسائل پدید می‌آورد. این رویکرد نیازمند بازنگری دقیق و عمیق پژوهشگر از یافته‌های پژوهش‌های کیفی مرتبط است (همان).

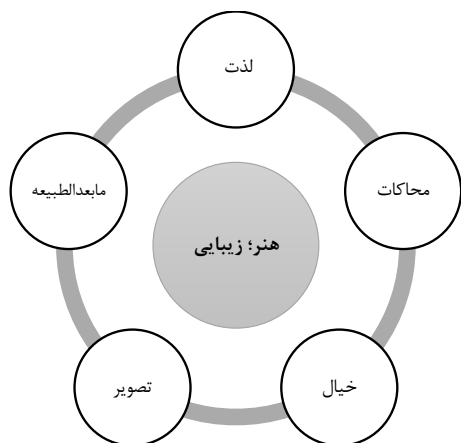
در این پژوهش مفهوم فلسفی معنویت، فلسفه‌ی هنر اسلامی و نظام استادشاگردی از منابع و اسناد بررسی شد. به روش فراترکیب، در ابتدا مؤلفه‌های هر یک از سه مفهوم، استخراج و کدگذاری سپس تجزیه و تحلیل شدند، ارتباط نظام‌مند آن‌ها با یکدیگر به روش تحلیل توصیفی کیفی، بررسی مجدد شدند و در انتها یک ترکیب تفسیری جدید از مفهوم معنویت در فلسفه‌ی هنر اسلامی با تأکید بر نظام استادشاگردی، که خود مضمینی معنوی در بطن فلسفی است، ارائه گردید.

از باورها و اعتقادات انسانی متمرکز بر معنا و کشف حقیقت زندگی و مجموع ارتباط و اتصال‌های وی در زندگی تعریف کرده‌اند (Smeltzer & Bare, 2010). معنویت در وجود انسان را توانمندی فرد در شنیدن، لمس کردن و دریافت و وجود، دوست داشتن، عشق‌ورزیدن، محبت کردن، اعتماد، خوشحالی، ناراحتی و مجموع حالات و عواطف و روحيات درونی فرد تعریف می‌کنند. معنویت درحقیقت به مفهوم فعالیت‌هایی که با روحيات و احساسات فرد سروکار دارد و حالات درونی و احساساتی را در وی برمی‌انگیزد از جمله موسیقی، هنر، ادبیات، غذا، و خوش‌ذوقی درون انسان است (Mooney & Timmins, 2007, 276-277).

### نظام استادشاگردی

ردیابی تاریخ تعلیم و تربیت گواه آن است که انتقال و هم‌افزایی دانش و مهارت‌ها در جوامع و در طول نسل‌ها از طریق تعامل چهره به چهره «آن که نمی‌دانست» با «آن که می‌دانست» صورت گرفته است. این راه که طبیعی‌ترین راه آموزش است، همان روش استاد و شاگردی است. در طول تاریخ، روش استاد و شاگردی طریقی بود که هرکس هرآنچه نیاز داشت را با مشاهده، تقلید و تقرب به یک استاد یا فردی داناتر و تواناتر از خود یاد می‌گرفت، و از آن‌جا که فرایند یادگیری بخشی از زندگی و کار با الزامات کاربرد آموزش همساز واقعی بوده است، حاصل آموزش است. این طبیعی‌ترین راه یادگیری، مشخصه‌ی نظام آموزشی پیش از ایجاد نهاد «مدرسه» در جوامع بود و شامل همه‌ی مراتب یادگیری می‌شد (Collins et al., 1989 به نقل از ندیمی، ۱۳۸۹، ۲۹). سیستم آموزش سنتی به این صورت که در بازه‌ی زمانی مشخصی فنونی به شاگرد انتقال داده شود و پس از آن شاگرد به حال خویش رها شده و بی‌آنکه قابلیت کامل خود مبنی بر رسیدن به مرحله‌ی استادی را یافته باشد از خدمت استاد خویش مرخص شود، نبود (صدیق، ۱۳۵۵). حضور شاگرد در محضر استاد، کنار انتقال فنون و تکنیک‌های هر فن یا حرفه، شامل پرورش استعدادها و فضایل اخلاقی نیز بوده و همین مطلب موجب می‌شد هنرمند یا پیشه‌ور در بستری از اصول و اعتقادات رشد یافته و برخوردار از صفاتی همچون خشوع، سعه‌ی صدر، پرهیز از جاه‌طلبی و شهرت‌گریزی شود (سیفی و همکاران، ۱۳۹۶، ۳۴). برجسته‌ترین مؤلفه‌های روابط درونی استاد و شاگرد همچون تعهد متقابل، رعایت حقوق متقابل، ارادت، احترام، تسلیم و اطاعت، اخلاق مداری، بهادادن به مقام استاد، تکریم اساتید سنتی، لزوم تزیین نفس و همچنین اهمیت طی سلسله مراتب، از دل متون و اسناد تاریخی، ادبی و عرفانی، شبکه‌ای از مناسبات و روابط درونی استاد و شاگرد در نظام سنتی آموزش را بیان می‌دارد که در تصویر ۱ نشان داده شده است.

در مسیر نظام استادشاگردی، هنرمند به سه اصل نیازمند است، اول تعلیم، دوم مشق و سوم صفای باطن. خوش‌نوشتن، خوش‌نگاشتن و هنرمندبودن در مسیر استادشاگردی بر این سه اصل استوار است.



تصویر ۲. عناصر هنر اسلامی. مأخذ: هاشم‌نژاد، ۱۳۸۵؛ افروغ و آقاسی، ۱۳۹۳.

نتیجه ادراک زیبایی است و هر قدر زیبایی شدید، و ادراک زیبا قوی باشد، به همان اندازه لذت قوی خواهد بود. از این رو ضمن مشاهده مناظر زیبا، لذت بیشتری حاصل می‌شود (هاشم‌نژاد، ۱۳۸۵). محاکات یا بازنمایی و حکایت‌گری، سه عنصر نهفته هستند؛ حاکی (حکایت‌کننده)، محکی (آنچه مورد حکایت واقع می‌شود) و حکایت (عمل بازنمایی) (همان). خیال را نوعی محاکات طبیعی قلمداد می‌کنند (همان، ۳۲۷). از دیدگاه ملاصدرا، قوه خیال، برزخ میان عقل و حس است. قوه خیال برهه لازم و لامکان استفاده انسانی است که می‌توان انواع هنر انسانی را برآمده از آن دانست. چرا که قابلیت دارد به هر طرف که بخواهد برود. وی نقش اساسی و اصلی برای خیال در رساندن انسان به عشق قائل است و این مهم برآمده از کارکردهای هنری خیال است. چرا که عشق برآمده از ادراک زیبایی است (افروغ و آقاسی، ۱۳۹۳). ایماژ یا تصویر، مجموعه امکانات بیان هنری است که در شعر مطرح است و زمینه اصلی آن را انواع تشبیه، استعاره، اسناد مجازی، رمز و گونه‌های مختلف ارائه تصاویر ذهنی می‌سازد (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰). تصویر تنها به دلالت بصری محدود نمی‌شود (سیدی، ۱۳۸۷، ۱۰۷). «تصویر زاینده و آوازه‌ای است که از آن مشتق شده است. یعنی واژه Imagination به معنی ملکه تخیل و تصویر» (الصباغ، ۱۴۰۴، ۵۰ ق). اما اندک تفاوتی را می‌توان میان خیال و تصویر قائل شد و آن اینکه «خیال به معنای مجموعه تصرفات بیانی و مجازی در شعر است و تصویر، شامل هرگونه بیان برجسته و مشخص» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰). به طور کلی تصویر همان ساحت بیرونی که از حالت درونی حکایت می‌کند (سیدی، ۱۳۸۷، ۱۰۷). متافیزیک بخشی از فلسفه است که اصول اساسی حقیقت را بررسی می‌کند. این موضوع که در سنت اسلامی به مابعدالطبیعه تعبیر می‌شود، به گونه‌ای است که همه هستی و تمام معرفت انسان را پوشش می‌دهد. مابعدالطبیعه در سنت اسلامی بار معنایی خاصی دارد که حکایت از ماورای جهان طبیعت می‌کند،

## بحث

ارتباط میان هنر و معنویت بر کسی پوشیده نیست. معنویت خاستگاه درونی هنر است، و هنری که معنویت و ابعاد غیرمادی هستی و وجود انسانی در آن وجود نداشته باشد، در مفهوم هنر قرار نمی‌گیرد. نکته مهم در این جا نوع دیدگاه هنرمند و بیننده آن است. هنرمند با توجه به نوع باور، تفکر، علایق، فرهنگ و مهارت‌هایی که در کنار تجارب خویش به دست آورده است، به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه، معنویت را در اثر هنری خود لحاظ می‌کند. حال در نقطه مقابل، نوع دیدگاه بیننده و نظاره‌گر اثر هنری است که تا چه میزان معنویت را درک می‌کند. موضوع اصلی این است که معنویت در بطن هنر و همه آثار هنری وجود دارد، حال در برخی با تأمل و عمد و گروه دیگر عمدی در نظر گرفته نشده است. لذا نوع نگاه بیننده و دریافت‌کننده اثر هنری نیز در مفهوم معنویت بسیار تأثیرگذار است (Arya, 2011). از دیدگاه رایبندرانان تاگور انسان حقیقت را نه در مجموعه‌ای از امور واقعی، بلکه در آفریده‌ها و مخلوقات خود بنا می‌کند. از دیدگاه وی رابطه هنر با آگاهی انسان، رابطه‌ای جدایی‌ناپذیر است و به همین دلیل هنر بر زنجیره انسانی دلالت می‌کند. هنری که زنده، پرشور و کمابیش ذی‌شعور است. جنبه ارتباطی هنر همان دنیای زندگی است. به این مفهوم که رابطه انسان با جهان و جهان با انسان، رابطه‌ای دوسویه است که به لحاظ زیبایی‌شناختی مهم است. دلیل وجود هنر، انگیزه خلاقانه انسان است تا بتواند آزادانه حرکت کند و آثار هنری بیافریند. این آثار هنری این قابلیت را به انسان می‌دهند تا از کمیت به کیفیت، واقعیت به حقیقت و وحدت به زیبایی حرکت کند. در این مسیر نظم معنوی در وجود انسانی پدیدار می‌شود (بیسواس، ۱۳۸۴). در هنر اسلامی، طرح و نقش علاوه بر مضمون و زیبایی ظاهری‌اش، دارای یک معنای درونی است که چشم جست‌وجوگر بیننده، از پس ظواهر زیبا به دنبال یافتن آن رمز درونی است، معنایی که به عالم باطن باز می‌گردد. به این ترتیب زبانی که هنر اسلامی برگزیده، زبان نماد است و این یکی از محسنات هنر اسلامی است و این را در اختیار کسانی که پذیرای آن هستند قرار می‌دهد، تا علاوه بر لذتی که از زیبایی ظاهری می‌برند، بهره‌ای غیرمستقیم نیز از مفاهیم لاهوتی آن داشته باشند (عنایت، ۱۳۸۷، ۳۴). رویکرد اصلی فلسفه هنر اسلامی را مبتنی بر «زیبایی» بیان کرده‌اند که مطابق تصویر ۲ است.

از منظر عرفانی یا ذوقی و عارفانه، ممکن است زیبایی امری این جهانی به نظر رسد، زیرا چنین منظری مایل است به هر چیزی با چشم اراده بنگرد و در این صورت زیبایی با تمایل خلط می‌شود. ولی از منظر شهودی، که همان منظر حقیقت اشیاء است و به اقتضات متکی نیست، زیبایی امری معنوی است، زیرا برکت و حقیقت را به شیوه خاص خودش آشکار می‌کند (رحمتی، ۱۳۹۰). وقتی زیبایی درک می‌شود، لذت حاصل می‌گردد. به عبارت دیگر لذت در

سیر کمال، روح خدایی، ارتباط و روح انسانی مملوء از احساسات و تجربه، مجموعه مشترکات معنوی هنر اسلامی و نظام استادشگردی به‌شمار می‌رود که همگی بر پایه «معنویت» بنا شده‌اند. مشاهده می‌گردد مؤلفه‌ها و عناصر هنر اسلامی، زیبایی، لذت، محاکات، خیال، تصویر و مابعدالطبیعه، نیز از مقوله‌های معنوی هستند که با مفاهیم و کلیدواژگان مطرح‌شده در **تصویر ۳** مشابهت داشته و شاید بتوان گفت تجلی‌گر معانی یکدیگراند. می‌توان حلقه ارتباط این سه مفهوم را در **تصویر ۵** نشان داد.

### نتیجه‌گیری

تأکید بر معنویت در هنر اسلامی و نظام استادشگردی، نه به‌عنوان یک کشف جدید، بلکه برای روشن‌تر کردن مفاهیم کلیدی است که از ابتدا در این دو مقوله وجود داشته است. با این حال اگر نظام استادشگردی و هنر اسلامی در مسیر معنوی ماهیت وجودی انسان و هستی گام نهند، غایت هیچ یک محقق نمی‌گردد و رو به بطلان خواهد رفت. از این‌رو هنر اسلامی و نظام استادشگردی که راهی به سوی کمال را برای هنرمند مرتب می‌سازد، هر دو ماهیتی الهی و روحانی دارند که بر پایه کمال‌جویی، کمال‌گرایی و میل به زیبایی فطرت آدمی در وجود انسان نهادینه شده است. بررسی بنیان‌های نظری حاکی از این مطلب است که هنر اسلامی و نظام استادشگردی، ماهیتی معنوی دارند و غایت کلام در این دو رویکرد زمانی محقق می‌گردد که از بعد معنوی پیرامون این دو صحبت گردد. لذا هرگونه بررسی و تحلیل خارج از فضای معنویت، هنر اسلامی و نظام استادشگردی را با نقصان مواجه می‌کند. از سوی دیگر عالی‌ترین مراتب کمال و تعالی انسانی که از سوی پروردگار برای انسان در نظر گرفته شده است، زیبایی، حقیقت‌جویی، معنا، سیر کمال، ارتباط با خویش و هستی و خالق، احساس و تجربه انسانی را در درون روح انسانی تعبیه کرده است که همگی نشان معنوی دارند.

فلسفه هنر اسلامی ذیل زیبایی که بر درک لذت، خیال، تصویر، محاکات و مابعدالطبیعه تأکید می‌کند، در بستر رویکرد معنوی هستی شکل گرفته است که هنرمند را در مسیر کشف حقیقت، مراتب کمال، فضیلت و توانمندی قرار دهد. از سوی دیگر نظام استادشگردی نیز که رویکرد سنتی و منحصر به فردی را در عرصه آموزش پیش‌رو می‌گیرد، احترام، تواضع، آداب کتابت، اخلاق پسندیده و مجموعه صفات نیک و کمال انسانی را منتج از فطرت الهی جست‌وجو می‌کند تا گویی هنرمند را در مسیر حرکت معنوی و کمال و تعالی قرار دهد. به همین منظور رویکرد فلسفه هنر اسلامی و نظام استادشگردی هر دو بر معنویت بنا شده‌اند و هدفی جز کمال معنوی انسانی ندارند. از این‌رو شناسایی و درک عمیق‌تر مضامین معنوی نظام استادشگردی و فلسفه هنر اسلامی می‌تواند روح انسانی که برگرفته از احساسات و تجربه است را در سیر کمال خویش، به کشف حقیقت سوق داده و او را به روح خدایی خویش نزدیک‌تر کند.

یعنی مسائلی که صرفاً معقول و به عبارتی غیرمحسوس هستند (بهرامی، ۱۳۹۴، ۹۶). مابعدالطبیعه قدمتی به تاریخ تفکر و فلسفه دارد. ارسطو در این مفهوم به موضوع وحدت و ثبات، در مفهوم حکمت یعنی دانشی عام و فراگیر، و فلسفه الهیات اشاره می‌کند (ایلخانی، ۱۳۹۳، ۳۳).

بعد غیرمادی، حقیقت، زیبایی، کشف، ارتباط، روح و حقیقت، مبانی کلیدی مفهوم معنویت را در برمی‌گیرند که در **جدول ۱** بیان شده‌اند. این مضامین با تأکید بر این نکته که انسان ماهیت غیر مادی داشته و اصل وجودی وی به عناصری فراتر از دنیای مادی مرتبط است، معنویت را حقیقتی از ماهیت انسانی که از آن آفریده شده است، تعریف می‌کنند.

در **جدول ۱ و ۲ و ۳** کلیدواژگان معنویت، هنر اسلامی و نظام استادشگردی ارائه می‌شود.

هنر، به مفهوم خلق و آفرینش، توانمندی، فضیلت و زیبایی تعریف می‌شود، که از ماهیت خدایی و غیرمادی انسان و مرتبط با روح خدایی و فرامادی شکل گرفته و اساس آن به مظهر تجلی خدایی و حقیقت اشاره دارد. لذا مجموع تعاریف آن این نکته را به ذهن می‌آورد که هنر، مقوله‌ای غیر مادی، معرفت به حقیقت و شهودی است که انسان را به ماهیت خویش نزدیک‌تر می‌کند. لذا می‌توان هنر و نیز هنر اسلامی را مفهومی غیرمادی، مابعدالطبیعه و اصل و بنیان زیبایی بیان کرد (**جدول ۲**).

می‌توان کلیدواژگان استخراج‌شده از تعاریف را به‌صورت تلفیقی در **تصویر ۳** نشان داد. مؤلفه‌های فلسفه هنر اسلامی و نظام استادشگردی، بر پایه معنویت بنا شده‌اند و گویی همه آن‌ها مقوله‌های معنوی هستند. از این‌رو می‌توان به این مفهوم اشاره کرد که بستر شکل‌گیری هنر و نظام استادشگردی بر اساس فطرت الهی و خدایی انسان و هستی، همان رویکرد معنوی است.

مسیر استادشگردی و فلسفه هنر اسلامی بر پایه حرکت و طریقت بنا شده است. به‌طوریکه هنرمند و یا شاگرد در جست‌وجوی یادگرفتن است، در این مسیر، طی طریق می‌نماید که بخشی مادی است و ابزارآلات و وسایل مادی در اختیار اوست و بخشی دیگر معنوی است و به باور، اعتقاد، حقیقت‌جویی و رویکرد معنوی هنرمند بستگی دارد. از این‌رو در بعد بیرونی و درونی، شاگردی می‌کند. به این مفهوم که اصول ظاهری، ابزار، ساعات و متون یادگیری، بخشی از جنبه بیرونی و اخلاق، تواضع، تسلیم‌بودن، باور و اعتقاد، توانمندشدن و دقیق‌بودن شاگرد در بعد درونی‌اش رخ می‌دهد. این طریقت و تغییرات در **تصویر ۴** نشان داده شده است که تأییدکننده مبانی معنوی فلسفه هنر اسلامی و نظام استادشگردی در نظر و عملکرد است.

در هنر اسلامی طرح و نقش علاوه بر مضمون و زیبایی ظاهری‌اش، دارای یک معنای درونی است که چشم جست‌وجوگر بیننده، از پس ظواهر زیبا به دنبال یافتن آن رمز درونی است، معنایی که به عالم باطن باز می‌گردد (**عنایت، ۱۳۸۷، ۳۴**). زیبایی، کشف حقیقت، معنا،

جدول ۱. کلیدواژگان تعریف معنویت. مأخذ: نگارندگان.

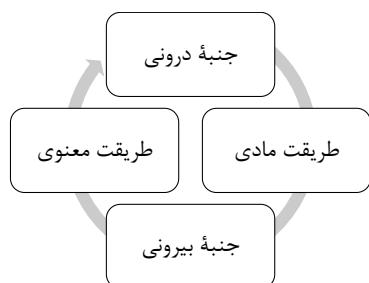
منابع	کلیدواژگان تعریف معنویت
مطهری، ۱۳۷۵	میل به زیبایی، حقیقت جویی
Smeltzer & Bare, 2010	کشف حقیقت
Willson et al., 2013	یافتن حقیقت وجوی، روح انسانی
Mooney & Timmins, 2007	توانمندی فردی، عشق و محبت، حالات روانی، خوش ذوقی
Jackson et al., 2016	ارتباط با ابعاد غیرمادی هستی، احساس انسانی، ارتباط با خویش، دیگران و خالق
Moal-Ulvoas, 2017	باورهای فردی

جدول ۲. کلیدواژگان تعریف هنر اسلامی. مأخذ: نگارندگان.

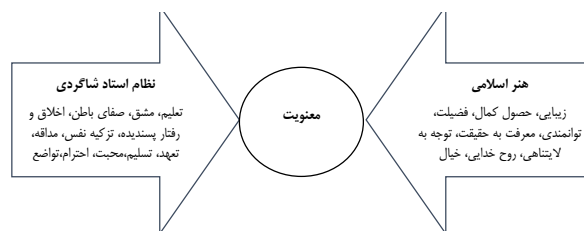
منابع	هنر و هنر اسلامی
بلخاری قهی، ۱۳۹۳	کمال، فضیلت، توانمندی
رشاد، ۱۳۹۴	بازآفرینی معنا به نحو کمال مطلوب، خلق، حقیقت مطلوب
تولستوی، ۱۳۸۳	انتقال احساسات
فارابی، ۱۴۰۷ ه. ق	زیبایی، حصول کمال
اسلامی و نیکقدم، ۱۳۹۱	توجه به لایتناهی، کشف و شهود، خیال، مکاشفه، تجلی وحدت
کرامت و گودرزی، ۱۳۹۳	حکمت، معرفت به حقیقت
هاشم نژاد، ۱۳۸۵	روح خدایی

جدول ۳. کلیدواژگان نظام استادشادگری. مأخذ: نگارندگان.

منابع	مؤلفه‌های نظام استادشادگری
قلیچ‌خانی (۱۳۷۳)	تعلیم، مشق، صفای باطن، اخلاق و رفتار پسندیده، تزکیه نفس، مذاقه
سیفی و همکاران (۱۳۹۶)	تعهد، تسلیم، محبت، احترام، اصول اخلاقی



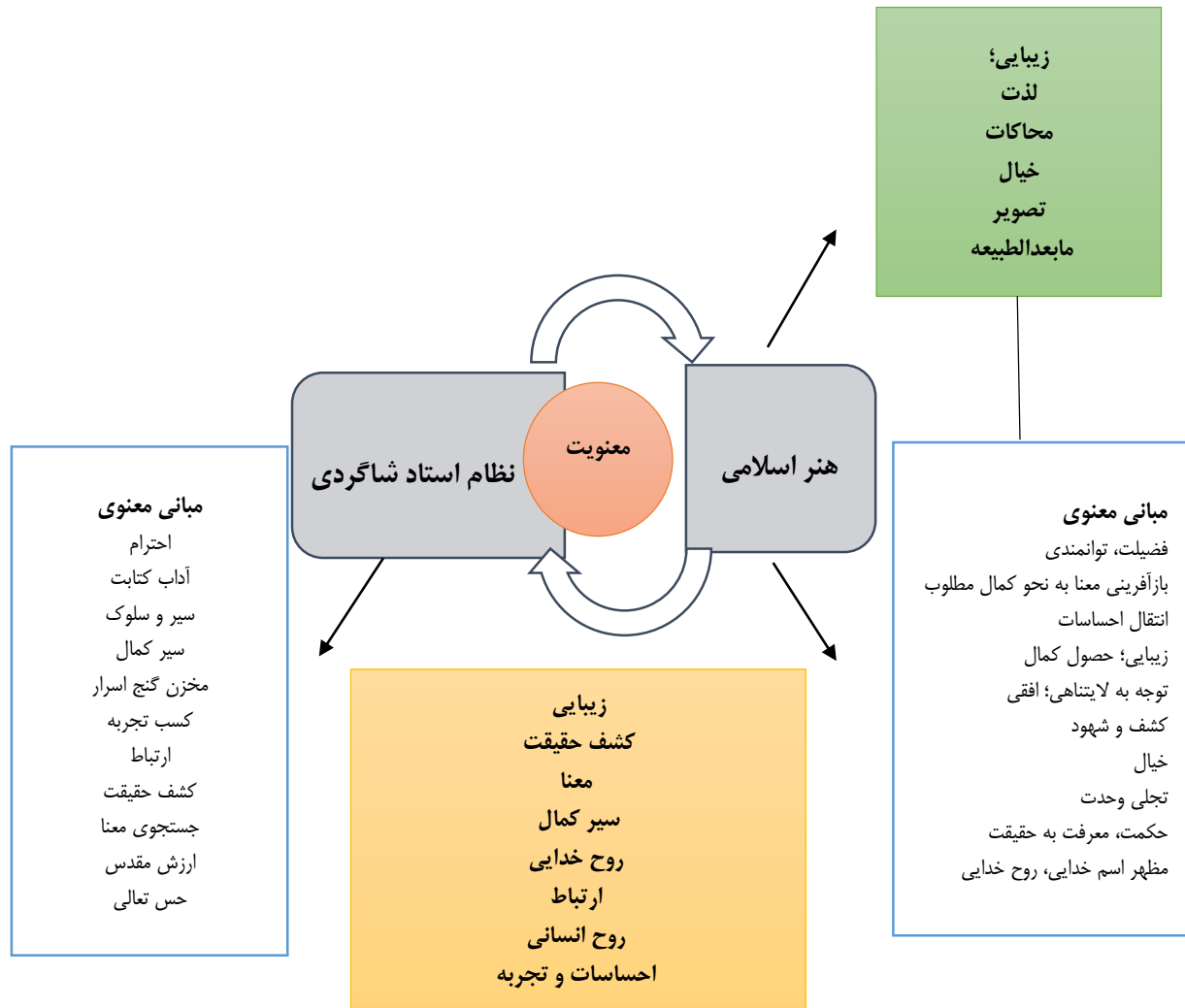
تصویر ۴. عناصر کلیدی فلسفه هنر اسلامی و نظام استادشادگری. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۳. معنویت، مفهوم مشترک فلسفه هنر اسلامی و نظام استادشادگری. مأخذ: نگارندگان.

به‌ویژه هنر که در بستر نظام استادشادگری شکل گیرد، هر دو مبنای معنوی داشته و در جهت تحقق ابعاد روحانی انسان هستند. نظام استادشادگری موضوعی اخلاقی، معنوی و در راستای کمال

هنرمند به ماهیت انسانی خویش با محوریت معنویت بر روی هستی گام برداشته و در این مسیر هر اقدام و فعلیتی که منطبق بر این فطرت الهی باشد، می‌تواند وی را در مسیر خدایی قرار دهد،



تصویر ۵. چهارچوب مفهومی معنویت در فلسفه هنر اسلامی با تأکید بر نظام استادشاگردی. مأخذ: نگارندگان.

org/10.22059/jfava.2012.24687

- افروغ، عماد و آقاسی، محمد. (۱۳۹۳). فلسفه اجتماعی، هنر صدرایی. پژوهشنامه تبلیغ و ارتباطات دینی، ۲(۳)، ۱۵۷-۱۸۴. <https://civilica.com/doc/1557772>
- الصباغ، محمد. (۱۴۰۴ ه. ق.). *التصویر الفنی فی الحدیث النبوی*. المکتب الاسلامی.
- ایلخانی، محمد. (۱۳۹۳). موضوع مابعدالطبیعه: ارسطو، ابن سینا و توماس آکوئینی. شناخت، ۷(۱).
- بلخاری قهی، حسن. (۱۳۹۳). *آشنایی با فلسفه هنر*. سوره.
- بهرامی، مهدی. (۱۳۹۴). رابطه زیبایی‌شناسی و متافیزیک از نظر فارابی. *کیمیای هنر*، ۴(۱۴)، ۹۵-۱۰۵. <http://kimiahonar.ir/article-1-337-fa.html>
- بیسواس، گوتام. (۱۳۸۴). انسان شخصیتی و حقیقت زیباشناختی: نگاه دوگانه تاگور به فلسفه هنر (ترجمه لادن مختارزاده بهادرانی). *بخارا*، (۴۵).
- تولستوی، لی یف نیکالایویچ. (۱۳۸۳). *هنر چیست* (ترجمه کاوه دهقان). انتشارات امیرکبیر. (اثر اصلی منتشره ۱۳۷۷)

و کرامت انسانی است، هنرمند واقعی نیز به‌عنوان یک خالق اثر، نمی‌تواند به حقیقت نزدیک شود و مسیر الهی را پیش گیرد مگر اینکه مفاهیم معنوی هستی را به‌خوبی بازآفریند. از این رو می‌توان گفت نظام استادشاگردی که ماهیتی اساساً معنوی دارد، به‌عنوان یک تقویت‌کننده و کمال هنرمند می‌تواند اثربخش واقع گردد.

#### بی‌نوشت‌ها

۱. Techné
۲. Artis
۳. Ars
۴. Ar
۵. Art
۶. Rabindranath Tagore

#### فهرست منابع

- اسلامی، سیدغلامرضا و نیکقدم، نیلوفر. (۱۳۹۱). هنر اسلامی و نگرش افقی. *نشریه هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی*، ۴(۴۸)، ۵-۱۷. <https://doi.org/10.22059/jfava.2012.24687>

• هاشم‌نژاد، حسین. (۱۳۸۵). درآمدی بر فلسفه هنر از دیدگاه فیلسوفان اسلامی. *قیسات*، ۱۱ (۳۹-۴۰)، ۳۱۳-۳۳۲.

• Arya, R. (2011). Contemplations of the spiritual in visual art. *Journal for the Study of Spirituality*, 1(1), 76-93. <https://doi.org/10.1558/jss.v1i1.76>

• Boo, H. W. (2008). *A meta-synthesis of emergency network management strategies and analysis of Hurricane Katrina*. Virginia Tech.

• Collins, A., Brown, J. S., & Newman, S. E. (2018). Cognitive apprenticeship: Teaching the crafts of reading, writing, and mathematics. In L.B. Resnick (Ed.), *Knowing, learning, and Instruction* (pp. 453-494). Routledge.

• Jackson, D., Doyle, C., Capon, H., & Pringle, E. (2016). Spirituality, spiritual need, and spiritual care in aged care: What the literature says. *Journal of Religion, Spirituality & Aging*, 28(4), 281-295. <https://doi.org/10.1080/15528030.2016.1193097>

• Moal-Ulvoas, G. (2017). Positive emotions and spirituality in older travelers. *Annals of Tourism Research*, 66, 151-158. <https://doi.org/10.1016/j.annals.2017.07.020>

• Mooney, B., & Timmins, F. (2007). Spirituality as a universal concept: Student experience of learning about spirituality through the medium of art. *Nurse Education in Practice*, 7(5), 275-284. <https://doi.org/10.1016/j.nepr.2006.09.001>

• Smeltzer, S., & Bare, B. (2010). *Brunner & Suddarth's Textbook of Medical-surgical Nursing*. Lippincott Williams & Wilkins.

• Willson, G. B., McIntosh, A. J., & Zahra, A. L. (2013). Tourism and spirituality: A phenomenological analysis. *Annals of Tourism Research*, 42, 150-168. <https://doi.org/10.1016/j.annals.2013.01.016>

• داداشی، ایرج. (۱۳۹۴). *درآمدی بر آداب معنوی در هنرهای سنتی*. شرکت انتشارات سوره مهر.

• رحمتی، انشاءالله. (۱۳۹۰). هنر و معنویت (مجموعه مقالاتی در زمینه حکمت هنر). مؤسسه تألیف ترجمه و نشر آثار هنری متن.

• رشاد، علی اکبر. (۱۳۹۴). ماهیت هنر و نسبت و مناسبات آن با فطرت و دین. *قیسات*، ۲۰ (۷۸)، ۲۰-۵.

• سیدی، سید حسین. (۱۳۸۷). مؤلفه‌های تصویر هنری در قرآن. *اندیشه دینی*، ۱۰۵ (۱۰)، ۱۱۶-۱۰۵.

• سیفی، ندا؛ بلخاری قهی، حسن و محمدزاده، مهدی. (۱۳۹۶). تأملی در رابطه استاد و شاگردی در آموزش هنرها با تأکید بر نظام سنتی. *فصلنامه نگره*، ۱۲ (۴۲)، <https://doi.org/10.22070/negareh.2017.528.45-33>

• شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). *صور خیال در شعر پارسی*. آگاه.

• صدیق، عیسی. (۱۳۵۵). *دوره مختصر تاریخ و فرهنگ ایران*. شرکت سهامی طبع کتاب.

• عنایت، توفیق. (۱۳۸۷). *عناصر هویت و فرهنگ ایرانی در آثار هنر اسلامی*. کتاب ماه هنر، ۱۲۰ (۳۲-۴۳).

• فارابی، محمد بن محمد. (۱۴۰۷ ه. ق.). *آراء اهل مدینه الفاضله*. دارالمشرق.

• قلیچ خانی، حمیدرضا. (۱۳۷۳). *رسالاتی در خوش نویسی و هنرهای وابسته*. روزنه.

• کرامت، زهره و گودرزی، مصطفی. (۱۳۹۳). تأملاتی در باب نسبت «حکمت هنر اسلامی» و «فلسفه هنر اسلامی». *نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی*، ۱۹ (۱)، ۱۳-۳۴. <https://doi.org/10.22059/zjfa.2014.50294>

• مطهری، مرتضی. (۱۳۷۵). *انسان و سرنوشت*. انتشارات صدرا.

• ندیمی، حمید. (۱۳۸۹). روش استاد و شاگردی، از نگاهی دیگر. *نشریه هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی*، ۲ (۴۴)، ۲۷-۳۶. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001-27>. 1.22286020.1389.2.44.3.6

#### COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله  
ایمانی خوشخو، محمد حسین و شهرابی فراهانی، مهدیه. (۱۴۰۳). ارائه چهارچوب مفهومی معنویت در فلسفه هنر اسلامی با تأکید بر نظام استادشاگردی. *مجله هنر تمدن شرق*، ۱۲ (۴۶)، ۱۶-۲۳.

DOI:10.22034/JACO.2024.426444.1362

URL:[https://www.jaco-sj.com/article\\_203764.html](https://www.jaco-sj.com/article_203764.html)

